

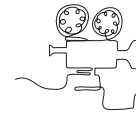
تأثیر متقابل کارگردانان
و جشنواره در ادوار فجر

سیمرغ در حرکت

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴





موتور محرکه هم‌گرایی

محمدتقی فهیم
منتقد

فرهنگ و هنر به‌ویژه در شرایط بحرانی نقش تعیین‌کننده در بازگرداندن جامعه به تعادل ایفا می‌کنند. هرگاه جامعه با بحران‌هایی چون تنش‌های اجتماعی، تحولات سیاسی یا هر رویدادی که انسجام اجتماعی را تهدید کند و منجر به چنددستگی، دوقطبی یا چندقطبی شدن جامعه شود، مواجه باشد آنچه بیش از هر عامل دیگری می‌تواند التهاب را کاهش دهد و مردم را به تعادل در زیست اجتماعی برساند، هنر است. یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای اجتماعی هنر، آفرینش امید است. این نکته‌ای است که بزرگان تاریخ هنر همواره بر آن تأکید کرده‌اند. هنری که امید نیافریند، هنر نیست. از همین منظر، رویدادهای هنری و تجمعات فرهنگی مانند جشنواره‌ها نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده دارند و البته وظیفه آنها تنها ارائه اثر نیست؛ بلکه آنان می‌توانند روایت‌ها را تغییر دهند، بر شکل‌گیری روایت‌های تازه تأثیر بگذارند و مهم‌تر از همه، فضایی امن برای گفت‌وگو میان جریان‌های مختلف اجتماعی ایجاد کنند. این کار، یکی از اصلی‌ترین وظایف هنر در عرصه اجتماعی است.

فضای جشنواره، ذاتاً فضایی آرام‌کننده است. این آرامش ابتدا درون خود جشنواره شکل می‌گیرد و سپس به سطح جامعه تسری می‌یابد؛ گویی از درون پر می‌کشد و در فضای عمومی بازتاب پیدا می‌کند. به همین دلیل، می‌توان گفت «آرام‌سازی» بخش جدایی‌ناپذیر از ماهیت جشنواره‌هاست. جشنواره‌ها، هم‌زمان با ایجاد فضای امن برای گفت‌وگو، سینماگران را با دیدگاه‌ها، نگرانی‌ها و نگرش‌های متفاوت گرد هم می‌آورند؛ فضایی که در آن گفت‌وگو، تبادل نظر و بیان دغدغه‌ها امکان‌پذیر می‌شود.

این فرآیند، به‌طور طبیعی به تقویت هم‌گرایی اجتماعی منجر می‌شود. سینماگران، به‌عنوان الیت‌های اجتماعی و حتی می‌توان گفت الیت‌های مؤثر در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نقشی فراتر از تولید اثر هنری دارند. بازتاب حضور و تعامل آن‌ها چه از طریق گفت‌وگوها و چه از طریق بازتابی مسائل اجتماعی بر پرده سینما، به نزدیک‌تر شدن افکار عمومی و کاهش فاصله‌ها کمک می‌کند.

شکاف‌ها و خلأهایی که به‌مرور موجب دوری گروه‌های اجتماعی از یکدیگر می‌شوند، از جمله پیامدهای بحران‌های اجتماعی هستند و جشنواره‌ها دقیقاً در همین نقطه ایفای نقش می‌کنند؛ پرکردن این شکاف‌ها و کاهش فاصله‌ها. این کارکرد، یکی از وظایف بنیادین جشنواره‌های هنری است؛ وظیفه‌ای که در کنار اهدافی چون رقابت سینماگران، کشف استعدادها و ارتقای کیفیت هنری، اهمیت اجتماعی ویژه‌ای دارد.

وقتی سینماگران، در جایگاه الیت‌های اجتماعی در یک گردهمایی بزرگ کنار هم قرار می‌گیرند، گفت‌وگو می‌کنند و به تبادل افکار می‌پردازند، این اجتماع به نماد و سمبل هم‌فکری، هم‌زیستی و گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز تبدیل می‌شود. چنین نمادی، تأثیری مستقیم بر جامعه دارد و حامل پیام امید، آرامش و آگاهی است.

گفتمان‌سازی با روایت صادقانه

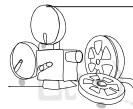
سینما در دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی میان جامعه و نخبگان بود؛ جایی که فیلمسازان، به‌عنوان تولیدکنندگان محتوا با مردم سخن می‌گفتند و جامعه، مخاطب و هدف این روایت‌ها بودند؛ اما جهان امروز متفاوت است. مطالبات تغییر کرده، ابزارهای ارتباطی

دگرگون شده‌اند و شکل مصرف محتوا، ماهیتی تازه یافته است.

در چنین شرایطی، شاید دیگر نتوان از «سینما» به معنای فیزیکی آن یعنی سالن، پرده و صندلی انتظار همان کارکرد تاریخی را داشت. بسیاری از مردم به دلایل مختلف از جمله دسترسی آسان ترجیح می‌دهند فیلم‌ها را در موبایل، تلویزیون یا در فضای خصوصی خانه تماشا کنند. این تغییر، نه به معنای افول فیلم بلکه نشانه جابه‌جایی بستر نمایش و ارتباط است.

اما نکته کلیدی این است که فیلم همچنان قدرت گفتمان‌سازی دارد. پس اگر اثری فاخر ساخته شود که بتواند خواسته‌ها، دغدغه‌ها و مسائل مخاطب را بازتاب دهد، هنوز هم قادر است توجه‌ها را به خود جلب کرده، هم‌ذات‌پنداری ایجاد کند و زمینه‌ساز گفت‌وگو شود؛ حتی اگر این اتفاق خارج از سالن سینما رخ دهد. در واقع، سینما به‌عنوان «فیلم» می‌تواند بخشی از گفتمان ملی را شکل دهد، اما سینما به‌عنوان «مکان» دیگر الزاماً مرکز این فرآیند نیست. این وضعیت، شباهت زیادی به سرنوشت مطبوعات دارد؛ با وجود اینکه رسانه‌های چاپی فاصله معناداری با دوران اوج خود گرفته‌اند و مخاطبان کمتری به دکه‌های روزنامه‌فروشی سر می‌زنند اما اصل روزنامه‌نگاری و تولید محتوا همچنان زنده است و فقط در قالبی تازه ارائه می‌شود. در این میان، عنصر محوری انسان است که تغییر نکرده؛ انسان در جایی مثل سینما، رسانه و هنر از طریق ابزارهای مختلف ارتباط برقرار می‌کند.

هنرمند چه بازیگر، چه کارگردان و چه نویسنده همان انسانی است که پشت فیلمنامه و ایده ایستاده و می‌تواند میان مردم، هنر و حتی حاکمیت پل بزند. پس اگر قرار است گفتمانی شکل بگیرد، نه از دل دیوارهای سالن سینما، بلکه از دل نگاه و دغدغه هنرمند برمی‌خیزد. ابزارها تغییر می‌کنند، بسترها عوض می‌شوند، ولی تازمانی که روایت صادقانه وجود دارد، امکان گفت‌وگو و گفتمان نیز زنده است.



اکران فیلم‌های مستند و کوتاه

در سالن شماره ۳ پردیس ملت

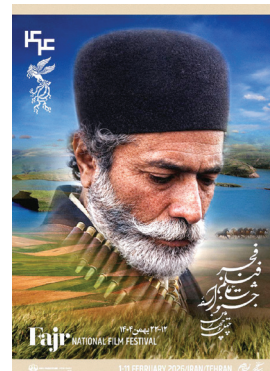
فیلم‌های مستند و کوتاه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر در سالن شماره ۳ پردیس سینمایی ملت برای روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و منتقدان سینما روی پرده خواهد رفت. بر اساس برنامه اعلام شده نمایش این آثار در یکس‌ها و سانس‌های مختلف از روز یکشنبه ۱۲ بهمن در خانه جشنواره آغاز خواهد شد. امروز فیلم مستند برای دخترم (مهدی عوض‌زاده) در ساعت ۱۵ و بسته فیلم کوتاه (اسپایدرمرد ساخته حسین ذوالفقاری، پسر ساخته سامان حسین‌پور، شیزو ساخته محمد اسدی و میا ساخته سیدعلی قاسمی) در ساعت ۱۷ به نمایش درخواهند آمد.

ماجرای پوستر متفاوت فجر ۴۴ با یک ایده ملی

اسب همو اسبه، تفنگ همو تفنگه

ایده و طرح، اشاره‌ای معنادار به پیوند سینمای امروز با میراث فرهنگی، تاریخی و اسطوره‌ای ایران دارد و نشانه‌ای از توجه جشنواره به بازخوانی هویت ملی در آثار سینمایی است. به گفته دبیر جشنواره، «شیرسنگی» عموجان جوزانی حلقه اقتدار فرهنگی ماست همچون فیلم «مادر» علی حاتمی که سال گذشته در جشنواره فیلم فجر، نگین حلقه عاطفه و مهر و عشق بود.

سیزدهم دی در فاصله کمتر از یک ماه به شروع جشنواره، پوستر فجر ۴۴ با استفاده از یک فریم از فیلم «شیرسنگی»، با طرح مهدی دواویی و



عکس‌های پس‌زمینه جمشید بایرامی رونمایی شد. در این مراسم در کنار مدیران سینما و جشنواره، تنی چند از هنرمندان این فیلم از جمله مسعود جعفری جوزانی، محمود کلاری، اسحاق خانزادی و شمسی فضل‌اللهی حضور داشتند. این



سونیا پوریامین:

شاید این روزها همه ناراحت و همدرد باشیم اما چیزی که ما را زنده و سرپانگه می‌دارد همدلی است تا در کنار هم برای ایرانمان تلاش کنیم.



مهران غفوریان:

«محمدجواد حکمی» به عنوان یک کارگردان فیلم اولی جسارت داشت، با فیلم کلنجر رفت و صحنه‌ها را هم درآورد.



آرش معیریان:

توقع ندارم مخاطبان آثار قبلی من به همان اندازه این فیلم را هم دوست داشته باشد.



محسن قصبیان:

به نظرم آدم‌های خاص شرایط را درک کرده و سعی می‌کنند و سعی می‌کنند رویه شخصی برای عبور از بحران را انتخاب کنند.



افتتاح خانه جشنواره به سبک فجر ۴۴

منوچهر شاهسوری روز گذشته با حضور در اولین سانس خانه جشنواره، یک افتتاحیه جمع و جور برگزار کرد و خطاب به فعالان رسانه گفت: من فقط از باب احترام و ادب آمدم تا این جشنواره را یک رویداد ملی می‌دانم و به آن باور دارم. امیدوارم ما بتوانیم در شکل‌گیری یک رویداد ملی که متعلق به مردمان این سرزمین است مشارکت داشته باشیم و دل‌های آنها را که به دلایل مختلف ممکن است ناآرام باشد به سهم خودمان آرام کنیم. آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم سینما ظرفیتی برای مردمان این سرزمین است. این ظرفیت فعلاً به دوش فیلمسازان و شما اهالی رسانه است که با قوت و با اعتقاد آن را گسترش بدهید و دوستانمان را به هم پیوند بنیم تا خدای نکرده تنی و دلی نلرزد.



پیش فروش بلیت‌های شهرستان‌ها

فیلم‌های پذیرفته شده در چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر، از ۱۵ بهمن همزمان با عید نیمه شعبان در شهرستان‌ها به نمایش درمی‌آیند. پیش‌فروش بلیت‌های سینما نیز در شهرستان‌ها از امروز دوازدهم بهمن ماه ساعت ۱۴ آغاز می‌شود. سامانه‌های آی‌تیکت، ایران‌تیک، سینماتیکت و گیشه ۷ برای پیش‌فروش بلیت‌ها فعال هستند.

همچنین نمایش فیلم‌های جشنواره در مراکز استان انجام می‌شود. در عین حال آغاز نمایش در ۹ شهر با نمایش فیلم تولید آن استان است. این ۹ فیلم خارج از رقابت جشنواره فجر هستند و برای انتخاب آن‌ها محصولات تولیدی استان‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، در این دوره از جشنواره، تعداد نمایش هر اثر در شهرستان‌ها کاهش پیدا کرده است. این اقدام با هدف حفظ حقوق صاحبان آثار برنامه‌ریزی شده است.

پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره در تهران نیز از ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۰ بهمن ماه آغاز شده است.



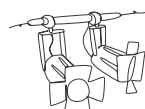
کوتاه از خانه جشنواره

- در پی تکمیل نشدن فیلم جدید امیرشهاب رضویان (خجستگی که در جنگ ملاقات کرده‌ام)، فیلم «عروس چشمه» (فریدون نجفی) به سودای سیمرخ اضافه شد.
- «نیمبشن» (نگهبانان خورشید) (در بخش خارج از مسابقه) و فیلم «غوطه‌ور» در جریان نمایش در روز نخست خانه جشنواره فیلم فجر مورد استقبال اهالی رسانه و منتقدان قرار گرفتند.
- فروش بلیت‌های جشنواره در ۳۳ سالن فجر ۴۴ از جمعه ۱۰ بهمن در درگاه‌های اعلام شده برای پیش‌فروش جشنواره آغاز شد و ۳۰ هزار بلیت در ۳ ساعت اول فروش رفت.
- امسال در بخش مسابقه تبلیغات چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر، ۱۴۵ اثر ارائه شده که شامل ۴۴ مجموعه عکس و ۱۰۹ پوستر فیلم است.
- به گفته مسعود نجفی (مدیر خانه جشنواره) آثار بلند سینمایی حاضر در بخش سودای سیمرخ امسال نشست پرسش و پاسخ خواهند داشت که این نشست‌ها در سالن ۱۲ پردیس ملت با ۵ نفر از عوامل سازنده با اجرای سونیا پوریامین، وحید رونقی، محمود گبرلو و حمیدرضا مندق برگزار می‌شوند.



«نیم‌شب» در سانس فوق‌العاده

«نیم‌شب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، قبل از شروع رسمی جشنواره، به سانس فوق‌العاده رسید. پیش‌فروش بلیت‌های این اثر برای سانس‌های فوق‌العاده، از امروز دوازدهم بهمن ساعت ۱۴ آغاز می‌شود. برنامه امروز پردیس ملت به این شرح است: ساعت ۱۴ فیلم «تقاطع نهایی» به کارگردانی سعید جلیلی، ساعت ۱۶:۳۰ «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری و ساعت ۱۹ «خیابان جمهوری» ساخته منوچهر هادی به نمایش در می‌آیند. پیش از این قرار بود «قمارباز» در سانس اول روز نهم و «خواب» در سانس دوم روز دوم اکران شوند.



فروش بلیت جشنواره در آیگپ

کیومرث حاجی رحیمیان، مدیرعامل پیام‌رسان آیگپ با اشاره به «فروش بلیت جشنواره در پیام‌رسان آیگپ» گفت: از ساعت ۱۰ صبح روز جمعه دهم بهمن ماه پیش‌فروش بلیت‌های چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر آغاز شده است و علاقه‌مندان بدون نیاز به مراجعه به باجه‌های بلیت‌فروشی سینماها، می‌توانند از طریق پیام‌رسان آیگپ بلیت فیلم مورد علاقه خود را تهیه کنند. او همچنین از انحصار پخش زنده جشنواره ملی فیلم فجر در این پیام‌رسان خبر داد و گفت: در راستای توسعه دسترسی عمومی به رویدادهای فرهنگی و هنری کشور، «پخش زنده جشنواره فیلم فجر» به صورت انحصاری از طریق «پیام‌رسان آیگپ» انجام می‌شود. مدیرعامل پیام‌رسان آیگپ با اشاره به اینکه علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به آیگپ، به صورت لحظه‌به‌لحظه در جریان نشست‌های خبری، اطلاعات و رویدادهای جنبی این جشنواره قرار بگیرند، گفت: پیام‌رسان آیگپ زیرساخت‌های فنی و رسانه‌ای لازم را با هدف پوشش گسترده‌تر این رویداد، افزایش تعامل مخاطبان و تسهیل دسترسی علاقه‌مندان در سراسر کشور به محتوای رسمی جشنواره فراهم کرده است.

کاربران برای مشاهده پخش زنده چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر و یا خرید بلیت این رویداد کافی است وارد پیام‌رسان آیگپ شده و در بخش «خدمات» روی نشان «پخش زنده» با «خرید بلیت» جشنواره فیلم فجر کلیک کنند. کاربران در این پیام‌رسان علاوه بر پخش زنده نشست‌های خبری، می‌توانند به اخبار تکمیلی، اطلاعیه‌ها، گزارش‌ها، تصاویر و محتوای چندرسانه‌ای مرتبط با چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر نیز دسترسی داشته باشند و آخرین تحولات این رویداد مهم سینمایی را به صورت متمرکز دنبال کنند.

نشست خبری انیمیشن «نگهبانان خورشید»

شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

برای فرهنگ ایرانی

اجرا: سونیا پوریامین **حاضران:** مهرداد محرابی کارگردان، مهدی جعفری جوازانی تهیه‌کننده، امیر صافیان سرپرست جلوه‌های ویژه، معین کریمی مدیر تولید و امیرحسین صفایی مدیر دوبلاژ. **از میان گفته‌ها:** **مهرداد محرابی:** قبل از هر چیزی باید با هموطنان عزیزم همدردی کنم از ۲۳ خرداد تا کنون تعدادی از مخاطبان فیلم‌های ما که نوجوانان هستند دیگر در بین ما نیستند. امیدوارم برای کودکان و نوجوانان این سرزمین دنیایی را بسازیم تا از زندگی خود لذت ببرند. امیدوارم با همدلی و کنار هم بودن برای ایران هر کاری از دستمان برمی‌آید انجام دهیم. **معین کریمی:** در این سال‌ها تلاش کردیم فرهنگ و تمدن ایران را در قالب فانتزی به مخاطب کودک ارائه کنیم. **مهدی جعفری جوازانی:** مولفه اول برای کودکان ایرانی و پیوندشان با انیمیشن ایرانی تولید انبوه است، این به ما سازندگان که موضوع قصه‌های ایرانی و فرهنگی را داریم بازمی‌گردد تا آنچه را که در سرزمین ما اتفاق افتاده بتوانیم روایت کنیم. در برنامه هفتم توسعه این تولید انبوه و این رویکرد در دستور کار قرار گرفته اما اگر قرار است جایگزین محصولات خارجی شود یا اندازه آن باشد و بچه‌ها الگو بگیرند رسانه ملی و رسانه‌های جریان ساز در این زمینه موثر هستند. صنعت انیمیشن اگر نگاه بین‌المللی داشته باشد به راحتی با جذب حمایت‌های فرهنگی می‌تواند خود را ارائه کند و به خروجی برساند. **امیرحسین صفایی:** سعی کردیم گویندگان برجسته را برای این کار جمع کنیم. بهترین گویندگان را جذب کردیم تا بچه‌ها فیلم را ببینند و دوست داشته باشند.



نشست خبری فیلم سینمایی «غوطه‌ور»

شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

چالش پرداختن به التراب

اجرا: سونیا پوریامین **حاضران:** جواد حکمی کارگردان، محمدحسین هاشمی گلیاگانی تهیه‌کننده، مهران غفوریان، محسن قصابیان بازیگران **از میان گفته‌ها:** **جواد حکمی:** باور قلبی قهرمان این است که کار درستی انجام می‌دهد اما شواهد علیه او است. او در پایان فیلم طبق آرمان خودش عمل می‌کند و تفاوت سینمای توحیدی و سینمای مدرن در همین است. سینمای مدرن بر اساس انسان محوری و فردیت شکل می‌گیرد اما در سینمای توحیدی قهرمان ارتباط با یک امر قدسی دارد، شاید در ظاهر شکست بخورد اما کشف حقیقت مهمترین امر برای او است. ما تلاش کردیم در «غوطه‌ور» یک فیلم در ژانر جنایی و اجتماعی بسازیم و مخاطب سینمای ایران را با بقیه گونه‌های سینمایی آشنا کنیم. **محسن قصابیان:** در ابتدا به تمام خانواده‌هایی که در حوادث اخیر عزیزی را از دست داده‌اند تسلیت می‌گویم. به نظر آدم‌های خاص شرایط را درک و سعی می‌کنند رویه شخصی برای عبور از بحران انتخاب کنند، حسن کارخانه شخصیت اصلی فیلم هم همین کار را می‌کند. جامعه نیاز به آدم‌های جسور دارد آن‌ها کارهای متفاوتی برای سلامت جامعه انجام می‌دهند. شاید نیاز است گاهی پروتکل‌ها را دور بزنیم و همه قوانین را رعایت نکنیم. **جواد حکمی:** فیلم اجتماعی همیشه در سینمای ما به عنوان یک چالش اجتماعی مطرح است. فیلمساز می‌تواند درباره موضوعات مختلف صحبت کند اما نوع پرداخت متفاوت است. فیلم ما به بحران جنسی می‌پردازد اما تلاش می‌کند وارد فضای تهییج و تحریک نشود و حرف را در چارچوب حیا و شرع بزند. **مهران غفوریان:** من «غوطه‌ور» را ندیده بودم. فیلم یک قصه روان پلیسی بدون گره‌های بیخود داشت و این ویژگی فیلم را دوست داشتم. حکمی هم به عنوان یک کارگردان فیلم اولی جسارت داشت او بعد از فیلمبرداری با فیلم کلنجار رفت.



صفحه ۴

روزنامه چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

نشست خبری فیلم سینمایی «غبار میمون»

شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

ارجاع به پرونده‌های واقعی

اجرا: محمود گبرلو **حاضران:** آرش معیریان کارگردان، سعید مرادی تهیه‌کننده، امیر بوالی نویسنده، امیر ولی‌خانی طراح جلوه‌های ویژه **از میان گفته‌ها:** **آرش معیریان:** حدود ۳۵ سال است که در سینما کار می‌کنم. از گذشته عاشق فیلم و سریال در همه ژانرها بودم، در این سال‌ها اکثر کارهایم کم‌دی بوده اما ژانرهای مختلفی را هم تجربه کردم. توقع ندارم مخاطبان آثار قبلی من به همان اندازه این فیلم را هم دوست داشته باشند. اما امیدوارم قابلیت متن را به تصویر کشیده باشیم چرا که ژانر ترنر سیاسی-پلیسی یکی از ژانرهای جذاب است. هنگام پیش تولید با جنگ ۱۲ روزه مواجه شدیم و کار متوقف شد بعضی از عوامل انصراف دادند و پیش تولید دیگری را اعمال کردیم. این فیلمنامه هم نسخه سینمایی دارد و هم سریال که تولید نسخه سینمایی یک دکوپاژ کاملاً مجزا از سریال داشته است. **امیر بوالی:** تقریباً هیچ موقعیتی در فیلم وجود ندارد که ارجاع به واقعیت نداشته نباشد. البته فیلمنامه جهان شمول‌تر از این بود که با دسترسی به یک یا دو پرونده بتوان به آن رسید. پژوهش‌های زیادی داشتیم که در شکل‌گیری این فیلمنامه بسیار کمک کرد. **سعید مرادی:** نسخه سریالی این اثر با نام متفاوتی ارائه می‌شود و شاید ۱۰ درصد از موقعیت‌های سریال و فیلم سینمایی مشابه باشد. **امیر ولی‌خانی:** ما برای فیلمبرداری به فرانسه و کشورهای دیگر رفتیم و به صورت ویدیو این بخش‌ها تصویربرداری شدند اما فکر می‌کنم بخش جلوه‌های ویژه فیلم باورپذیر بوده است.



فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟ ۲

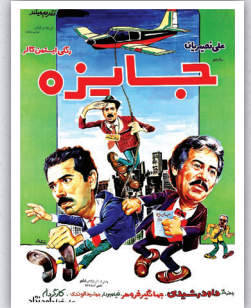
ماجرای جویی، کشف و افراط

به چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر رسیده‌ایم. در این سال‌ها داستان‌های بسیاری گفته شده است. برخی از آن‌ها قهرمان‌های ماندگاری خلق کرده‌اند، قهرمان‌هایی که در تاریخ سینمای ایران جاودانه شده‌اند. افرادی که این داستان‌ها را به فیلمنامه و در مواردی به فیلم تبدیل کرده، گاهی از زیست شخصی خود و گاهی از قدرت تخیل‌شان استفاده کرده‌اند. آن‌ها قهرمان‌های خود را به جدال‌های درونی و بیرونی برده‌اند. جدال‌هایی که برای مخاطب پرسشی اساسی ایجاد می‌کنند. چه کسی پیروز خواهد شد؟ و فیلمنامه‌نویسان با ایده‌های ناظر خود به این پرسش پاسخ خواهند داد. نام این فیلمنامه‌نویسان و آثارشان در تاریخ جشنواره فیلم فجر ثبت شده است. در این گزارش با توجه به اهمیت داستان‌گویی در سینما و ارزش نهادن به مدیوم فیلمنامه بر آئیم که نگاهی به آثار آن‌ها داشته و ایده اولیه، پیچش داستانی، پیرنگ و ایده ناظرشان را معرفی کنیم.

محراب توکلی



نام فیلم: آپارتمان شماره ۱۳
محصول: ۱۳۶۹
برنده سیمرغ بلورین پنجمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه‌نویس: علیرضا خمسه، حسن قلی‌زاده



نام فیلم: جایزه
محصول: ۱۳۶۱
برنده لوح زرین دومین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه‌نویسان: علیرضا داوودنژاد، ابراهیم مکی

بازیگران: جمشید اسماعیل‌خانی، کتایون ریاحی، مریم معترف
خلاصه داستان: ماشاءالله ایرانمنش از کرمان راهی پایتخت می‌شود تا ارث پدری‌اش، آپارتمان شماره ۱۳ را بفروشد و کارگاه تراشکاری کارفرمای خود را در زادگاهش خریداری و با دختر محبوبش ازدواج کند؛ اما آپارتمان به دلیل وجود ساکنان مجتمع که آدم‌های بدقلبی هستند، فروش نمی‌رود.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر علت اصلی فروش نرفتن یک خانه، همسایه‌هایش باشند؟
پیرنگ: کشف، افراط فلاکت‌بار
پیچش داستانی: همسایه‌های آقای ایرانمنش یک دردرس جدی برای او هستند!
ایده ناظر: خانه ماشاءالله ایرانمنش غیرقابل فروش است، چرا که توانایی غلبه بر همسایه‌ها را ندارد و این امر برآمده از نحوه زیست او و جایی است که در آن بزرگ شده.

بازیگران: علی نصیریان، داوود رشیدی، سیروس حسن‌پور، جهانگیر فروهر، حمید دلکش‌پور، ایرن
خلاصه داستان: احمد مرزوقی کارمند برنده یک هواپیمای دوموتوره می‌شود. از آنجا که انتقال هواپیما به محل زندگی وی ناممکن است، او با خانواده‌اش به تهران می‌آید. هزینه نگهداری هواپیما زیاد است. او مجبور می‌شود تن به بازی در فیلم‌های تبلیغاتی بدهد.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر خانواده‌ای برای به دست آوردن پول تن به بازی در فیلم‌های تبلیغاتی بدهند؟
پیرنگ: ماجراجویی، بلوغ
پیچش داستانی: نگهداری هواپیما برای مرزوقی تبدیل به دردرس می‌شود.
ایده ناظر: سادگی جایی در شهر ندارد، چرا که همه به دنبال منافع خود هستند.



نام فیلم: روسری آبی
محصول: ۱۳۷۳
برنده سیمرغ بلورین سیزدهمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه‌نویس: رخشان بنی‌اعتماد



صفحه ۵
روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



نام فیلم: بچه‌های آسمان
محصول: ۱۳۷۵
برنده سیمرغ بلورین بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر
فیلمنامه‌نویس: مجید مجیدی

بازیگران: عزت‌الله انتظامی، فاطمه معتمد‌آریا، گلاب آدینه، جمشید اسماعیل‌خانی، افسر اسدی، رضا فیاضی، باران کوثری
خلاصه داستان: رسول رحمانی مالک یک مزرعه گوجه‌فرنگی است و کارخانه‌ای هم در کنار آن دارد. او چند سال پیش همسرش را از دست داده است. تنها زندگی می‌کند. از آن سو نویر کردانی زنی است که سرپرستی خانواده‌اش را به عهده دارد و ناچار است کار کند. او به همراه چند زن دیگر برای کار در مزرعه‌ای که رسول مالکیت آن را برعهده دارد، انتخاب می‌شود و این سرآغاز یک رابطه پراحساس است ...
ایده اولیه: چه می‌شود اگر یک مرد متمول عاشق یکی از زنان کارگر خود شود؟
پیرنگ: عشق، فداکاری
پیچش داستانی: مادر نویر به خاطر مواد مخدر زندانی می‌شود...
ایده ناظر: عشق بر مضامین مهمی همچون پول و ثروت پیروز خواهد شد، چرا که زندگی با عشق معنا پیدا می‌کند.

بازیگران: رضا ناجی، میرفرخ هاشمیان، فرشته سربانندی، کریستوفر مالکی
خلاصه داستان: پسری به نام علی کفش‌های خواهرش را گم می‌کند. از آنجا که زهر کفش دیگری ندارد و پدر هم توانایی مالی خرید کفش نو را ندارد، قرار می‌گذارند که صبح‌ها زهر کتانی علی را بپوشد و ظهر علی در مسیر منتظر پایان مدرسه زهر او آمدن او می‌شود تا کتانی را از زهر بگیرد و با آن به مدرسه برود. به‌رغم تلاشی که زهر برای به موقع رساندن کفش‌ها به علی می‌کند اما علی هر روز دیر به مدرسه می‌رسد تا اینکه در مدرسه یک مسابقه برگزار می‌شود و...
ایده اولیه: چه می‌شود اگر در یک خانواده کم بضاعت، پسری تصمیم بگیرد نقش قهرمان را برای خواهر کوچکش بازی کند؟
پیرنگ: فداکاری
پیچش داستانی: علی متوجه می‌شود باید در مسابقه دو، نفر سوم شود. چرا که جایزه نفر سوم یک جفت کفش است.
ایده ناظر: فداکاری ارزشی فراتر از مادیات دارد و زندگی با تمام تلخی‌هایش شیرین است. بنابراین می‌توان به آن امید بست.

تقاطع نهایی شب

تهیه کننده: مهدی مددکار، کارگردان: سعید جلیلی، مجری طرح: مهدی اسدی بازیگران: رویا جاویدنیا، گیتی قاسمی، جواد قامتی، پیچهر قنبری، نازنین کیوانی، سیاوش چراغی پور، صادق حسنی، مشاور کارگردان: سید شهاب الدین حسینی، مدیر فیلمبرداری: مهدی ایل بیگی، محمد نامداری، طراح صحنه: زنده یاد مجید علی اسلام، تدوین: هانیه جلوخانی، اصلاح رنگ و نور: سامان وفایی، نویسندگان: مهدی مددکار، سعید جلیلی، سرپرست گروه کارگردانی: جواد قامتی، مدیر صداپردازی: مسیح حدپورسراج، طراحی و ترکیب صدا: سید محمود لاجوردی، موسیقی: امید روشن بین، طراح جلوه های ویژه میدانی: رضا ترکمان، طراح جلوه های ویژه بصری: محمد رضا نجفی امامی، طراح گریم: نسترن ربیعی، علیرضا خورشیدی، طراح لباس: لادن کنعانی

خلاصه داستان: سه زن در قتل یک مرد مشارکت دارند و برای حل ماجرا دنبال راه حل هستند.



خیابان جمهروری

تهیه کننده و کارگردان: منوچهر هادی، نویسنده: پدرام کریمی، مدیر پروژه: هانی شیرازی، بازیگران: هادی حجازی فر، الناز ملک، فاطیما بهارمست، روح الله زمانی، مرتضی شجاعی و خاطره حاتمی، دستیار اول کارگردان: سجاد قراگزلو، مدیر برنامه ریزی: مریم پدیه، مدیر فیلمبرداری: سید میلاد حسینی تدوین: محمد ابراهیم هادی، طراحی و ترکیب صدا: علیرضا علویان، مدیر صداپردازی: حمید زیباکلام، طراح صحنه و لباس: نیره آشتیانی، طراح گریم: امید گلزاده، مدیر تولید: ابوالفضل کوچکیان، آهنگساز: امیرحسین سمیعی، طراح جلوه های ویژه بصری: امین مبارکی

خلاصه داستان: این بی همه چیز! همه چیش الکیه... خودش، اسمش، حرفش...!



قمارباز

نویسنده: بهجت شریف، کارگردان: محسن بهاری، تهیه کننده: سجاد نصرالهی نسب، بازیگران: کوروش تهامی، آرمین رحیمیان، شبنم قربانی، امیر نوروزی، روشن رستم پور، عماد امامی، مدیر فیلمبرداری: احسان رفیعی جم، تدوینگر: حسین جمشیدی گوهری، چهره پرداز: امید گل زاده، موسیقی: مسعود سخاوت دوست، صداپرداز: مسیح حدپورسراج، صداگذار: محمد مهدی جواهری زاده، طراح صحنه: امیرحسین حدادی، طراح لباس: ثمینه افتخاری، جلوه های میدانی: آرش آقابیک، جلوه های بصری: هادی اسلامی

خلاصه داستان: یکی از بانک های کشور مورد حمله سایبری قرار می گیرد! اتفاقی که یک مامور خبره را به یکی از برنامه نویسان بانک مشکوک می کند. تکاپو برای یافتن حقیقت و برقراری امنیت ملی از این اینجا آغاز می شود...



گفت وگو با سعید جلیلی، کارگردان فیلم «تقاطع نهایی شب»

پشت این فیلم می ایستم



محراب توکلی



سعید جلیلی یکی از کارگردان‌های جوان فجر ۴۴ است. او با نخستین فیلم خود، «تقاطع نهایی شب» در این رویداد حضور دارد. جلیلی از نتیجه فیلم اول خود رضایت دارد و می‌گوید: «به دلیل فیلمنامه پرحادثه، پرتعلیق و پرکشش، بازخوردهایی که در نمایش اولیه از افراد داشتیم مثبت بوده است.» در ادامه این گفت و گورامی خوانید:

۴ آقای جلیلی با یک سوال کلیشه‌ای آغاز می‌کنم؛ چگونه از ایده اولیه به طرح و سپس به مرحله پیش‌تولید و تولید فیلم رسیدید؟

این مسیر از ساخت یک فیلم کوتاه به نام «نفر سوم» آغاز شد که البته متناسب با شرایط مالی‌ام بود. با دوستانم در یک لوکیشن کوچک جمع شدیم، بازیگران هم دو خانم و یک کودک بودند. مدت زمان آن فیلم کوتاه حدود ۱۶ دقیقه بود اما متوجه شدم این روایت پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک قصه بلند و اضافه شدن دو کاراکتر دیگر هم دارد. در نتیجه همان قصه را به فیلم بلند تبدیل کردم و نتیجه آن هم یک کار تک‌لوکیشن با چهار بازیگر اصلی شد و قصه در یک بازه زمانی واقعی رخ می‌دهد یعنی از عصر تا چند ساعت بعد از آن.

۴ لوکیشن ثابت و فرم ریل‌تایم چه چالش‌هایی برای شما در تولید ایجاد کرد؟ بزرگ‌ترین چالش چنین فیلم‌هایی این است که حوادث دراماتیک باید بسیار زیاد باشند یعنی در لحظات مختلف باید لحظه‌کلیدی را پیدا کرده و بین شخصیت‌ها تقسیم کنید تا هم عصاره صحنه بیرون بیاید و هم مخاطب خسته نشود. یکی از دشوارترین تصمیمات کارگردان این است که دوربین را کجا قرار دهد؛ زیرا در یک لوکیشن، اگر در پنج نقطه دوربین را بگذارید، بقیه قاب‌ها تکراری می‌شوند. چهار جهت اصلی دارید و پس از گرفتن آن‌ها، تصویر جدیدی باقی نمی‌ماند مگر اینکه طراحی کنید تا مخاطب همچنان درگیر قصه بماند. در پرده اول فیلم، اگر دوربین حرکت چندانی ندارد - به جز نوع POV یا تیرول - بعد از نقطه عطف اول فیلمنامه دوربین سیال در لوکیشن حرکت می‌کند تا پایان پرده میانی. البته در پرده سوم ساختار فیلمبرداری شکل دیگری دارد...

۴ در چنین فرمی، بازیگر نقش اساسی دارد و میزانشن توسط حرکت بازیگران شکل می‌گیرد. تعامل با بازیگرها در مسیر تولید چگونه پیش رفت؟

هنگام نوشتن فیلمنامه دو بازیگر را مدنظر بودند. نیمی از آن‌ها با پروژه هم‌سو شدند و آمدند و برای بقیه سراغ گزینه‌های متفاوت رفتیم که مهم‌ترین عامل انتخابشان؛ توانمندی، همراهی و اخلاق بازیگر بود شهاب حسینی، به عنوان مشاور کارگردان در دورخوانی خیلی به فیلم کمک کرد. نقش‌ها را تحلیل کردیم و بازیگران جدید را به سطح لازم رساندیم. بازیگران بسیار همراهی داشتند، یعنی آن قدر کار را مال خود می‌دانستند که برخی شب‌ها بیش از ۱۲ ساعت و حتی در برخی موارد تا ۱۶ ساعت هم سر فیلمبرداری می‌ماندند. حتی وقتی روز کار بودند یا در پروژه دیگری حضور داشتند، شب سر صحنه می‌آمدند. البته این راهم بگویم چند نفر از آن‌ها را به سختی راضی کردم تا در فیلم بازی کنند ولی وقتی آمدند تمام تلاش و توان خود را گذاشتند.

۴ فرمی که گفتید - اینکه دوربین در پرده دوم سیال می‌شود - چقدر منطبق بر روایت است؟ آیا روایت این فرم را طلب کرد یا فرم مقدم بر روایت بود؟

من از نتو فرمالیست‌ها مانند رویکرد بردول و تامسون پیروی می‌کنم که می‌گویند این دو از دل یکدیگر می‌آیند. بنابراین نگاهی که به این فیلم داشتم نیز همین است؛ با روایت می‌توانم فرم را تعریف کنم و با فرم به محتوا برسم. بنابراین نقطه‌ای که این اتفاق می‌افتد، از دل محتوا می‌آید و به ساختار کارگردانی و فرم تبدیل می‌شود.

۴ چه تأثیری از منطق نمایشنامه‌نویسی گرفتید؟ فیلم‌هایی مانند «گره روی شیروانی داغ» یا «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟» از نمایشنامه

آمده‌اند. فضای فیلم شما هم به نمایشنامه نزدیک است؛ آیا سیال کردن دوربین به سینمایی شدن کمک می‌کند یا صرفاً قاب‌بندی کافی است؟ چگونه فضایی شبیه تئاتر را سینمایی‌تر کردید؟

سوال خوبی است. در تئاتر عمدتاً کشمکش بین دو فرد بر پایه دیالوگ است. در ادبیات کشمکش درونی است. در سینما هر سه سطح کشمکش همزمان وجود دارد: درونی، فردی و فرا فردی. اگر قصه ما صرفاً مبتنی بر کشمکش فردی بود، تئاتری می‌شد و تبدیل آن به سینما با ابزارهای سینمایی دشوار بود. اما با سه سطح کشمکش که آدم‌ها درگیرش می‌شوند، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً تئاتری دانست. سکوت‌های بسیار روی کلوزآپ بازیگران داریم که در سینما کار می‌کند اما در تئاتر نه. این امر مختص سینماست. من عقبه تئاتری ندارم، تحصیل‌کرده سینما هستم، زیاد نمایشنامه نخونده‌ام یا تئاتر ندیده‌ام. ولی دو بازیگر تئاتر بسیار خوب پیدا کردم که به نظر به سینما معرفی می‌شوند.

۴ هرچند بحث تک‌لوکیشن بودن فرم فیلم تنها به دغدغه کارگردان مربوط است اما گاهی اوقات نبود سرمایه فیلمسازان را به این سمت سوق می‌دهد.

در واقع آن‌ها به اجبار سراغ این فرم می‌روند. درست است؟

قطعاً این جبر وجود دارد اما این محدودیت باعث نشد کیفیت کار پایین بیاید. من فیلمی ساختم که پشتش می‌ایستم. بافتخار یک فیلم سینمایی ۹۰-۸۰ دقیقه‌ای ساخته‌ام که مخاطب خسته نمی‌شود. داشتن تنوع بصری - لنگ‌شات، کلوزآپ، دریا، جنگل، بیابان - آسان است ولی من با دیوارهایی به رنگ طوسی و قهوه‌ای، بدون پنجره‌ای رو به بیرون و چهار بازیگر که دور هم می‌چرخند کار سختی انجام دادم. جبر در ساخت یک فیلم با چنین فرمی وجود دارد. اما باعث پایین آمدن کیفیت فیلم نمی‌شود.

۴ و صحبت پایانی...

من با پول به اصطلاح تجویی فیلم را ساختم. از جنس فیلمسازانی که فیلم‌های زیادی ساخته باشند یا پول داشته باشند یا نهاد دولتی پشت‌شان باشد، نیستم. ما فیلم مظلومی ساختم که روی پای خودش راه رفتن را یاد گرفته تا این مرحله آمده است. «تقاطع نهایی شب» از میان ۱۲۲ فیلم ارسالی به جشنواره فجر، پذیرفته شد و همین برایم کافی و خوشایند است. دوست دارم اگر کسی این مصاحبه را می‌خواند، فیلم را روی پرده سینما ببیند، سپس داوری و قضاوت کند. به نظر من فیلم باید قصه بگوید، مخاطب را درگیر کند و در پایان به فکر فرو برد. امیدوارم فیلم ما در این زمینه بتواند موفق باشد.

من از نتو فرمالیست‌ها
مانند رویکرد بردول
و تامسون پیروی
می‌کنم که می‌گویند
این دو از دل یکدیگر
می‌آیند. بنابراین
نگاهی که به این
فیلم داشتم نیز همین
است؛ با روایت
می‌توانم فرم را تعریف
کنم و با فرم به محتوا
برسم



روانامه
چهار و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر
صفحه ۷



گفت و گو با سجاد نصرالهی نسب
تهیه کننده فیلم «قمارباز»

پس از پیچینگ

نگار تقی پور



در این زمینه دلایل متعددی وجود داشت که یکی از آن‌ها شرایط کشور بود و در همین راستا تأمین بودجه و سرمایه برای پروژه با از دست رفتن زمان سخت‌تر می‌شد. به همین علت نتوانستیم زمان بیشتری بگذاریم و در مرحله پیش تولید بر سر جزئیات کار بحث کنیم، بی‌تردید این صحبت‌ها باعث ارتقای کیفیت کار می‌شد، البته باید به این موضوع هم اشاره کنم با توجه به برنامه‌ریزی دقیق توانستیم با بازیگرانی که مدنظرمان بودند به همراه عوامل پشت دوربین قرارداد ببندیم و وارد مرحله پیش تولید شویم.

بخش اعظم تولید فیلم در یک مجتمع مسکونی بود و بیشتر برداشت‌ها هم هنگام شب گرفته می‌شدند. این مسیر برای عوامل پشت صحنه چگونه طی شد؟

به نکته درستی اشاره کردید. فیلم برداری «قمارباز» اغلب در شب بود و لوکیشن آن یک مجتمع مسکونی بود. به همین علت عوامل پشت صحنه رفت و آمدهای متعددی در لوکیشن داشتند. خوشبختانه این اتفاق با همراهی همسایه‌ها و مدیریت ساختمان به خوبی و با کمترین چالش سپری شد.

از آنجا که برخی تهیه‌کنندگان بر سر تخصصی بودن حرفه‌شان بارها صحبت کرده‌اند، لطفاً بگویید یک تهیه‌کننده حرفه‌ای با توجه به زمان کم همان‌طور که در فیلم «قمارباز» به این چالش اشاره کردید- چگونه باید پروژه را تا انتهای مسیر مدیریت کند؟

برای اینکه بتوانم به طور دقیق به این پرسش شما پاسخ دهم باید به اندازه دو ماه کلاس تهیه‌کنندگی حرف بزنم! اما به طور خلاصه اگر بخواهم به مهم‌ترین ویژگی یک تهیه‌کننده اشاره کنم، اشراف او بر فیلمنامه و فقه است. اگر یک تهیه‌کننده بتواند فیلمنامه و داستان خوب را از بد تشخیص دهد، موفقیت کار خود را افزایش داده است. تسلطی که تهیه‌کننده به این مدیوم دارد مهم‌ترین و البته اولین قدم او در کار تهیه‌کنندگی است. در واقع او با خواندن فیلمنامه تصمیم می‌گیرد که آن را بسازد یا نسازد. در ادامه: انتخاب عوامل، لوکیشن، بازیگران، شرکت‌های توزیع و پخش و جشنواره‌ها و در نهایت فروش فیلم از جمله وظایفی هستند که تهیه‌کننده بر عهده دارد. البته به شما بگویم تمام این موارد، کلیات است و جزئیات آن در اجرا تعریف می‌شود. مثل اینکه در فیلمنامه «مختارنامه» می‌نویسند: لشکر مختار به دروازه شهر رسید. اما اجرای این جمله کوتاه بسیار مشکل است. در نتیجه باید کار تهیه‌کننده را به دو بخش تقسیم کنیم، بخش نخست: تصمیم‌گیری برای انتخاب پروژه و بخش دوم: تلاش برای اجرای آن.

سجاد نصرالهی نسب، تهیه‌کننده سینمای ایران است. او در سال‌های اخیر تهیه آثار سینمایی و تلویزیونی را برعهده داشته، از جمله کارهایی که نصرالهی نسب با عنوان تهیه‌کننده به جشنواره فجر رسانده است، می‌توان به «آپاراتچی» به کارگردانی قربانعلی طاهر فرو «چشم بادومی» ساخته ابراهیم امینی اشاره کرد. او در این گفت و گو درباره آخرین اثرش یعنی «قمارباز» ساخته محسن بهاری و حضور در فجر ۴۴ صحبت کرد.

آقای نصرالهی نسب لطفاً از آغاز کار برایمان بگویید. مسیر پیش تولید، تولید و آماده‌سازی فیلم «قمارباز» برای جشنواره فجر چگونه شکل گرفت؟

من با محسن بهاری در آثار مختلفی همکاری داشتم. یکی از مهم‌ترین آن‌ها «موقعیت مهدی» به کارگردانی هادی حجازی‌فر بود. به همین دلیل آشنایی و دوستی میان ما پیش از آن‌که صحبتی از «قمارباز» در میان باشد، وجود داشت. اما اگر بخواهم با جزئیات بگویم، دو سال پیش محسن بهاری قصد ساخت یک فیلم را داشت و طرحی را هم برای آن آماده کرده بود. ولی بعد از تغییراتی که در فارابی به وجود آمد، ساخت آن کار میسر نبود. اما امسال فارابی برای موضوع جنگ ۱۲ روزه یک پیچینگ برگزار کرد که از طریق آن پیچینگ فیلم «قمارباز» تصویب شد. البته باید بگویم کار توسط کارگردان به تصویب رسید. آقای بهاری هم برای تهیه با من تماس گرفت که به خاطر همکاری‌های خوبی که داشتیم، تهیه کارشان را برعهده گرفتم. البته در کارهای مختلفی که داشته‌ام از محسن بهاری به عنوان مشاور کمک گرفته بودم. به همین دلیل اعتماد از قبل میان ما شکل گرفته بود؛ اعتمادی که منجر به ساخت فیلم «قمارباز» شد.

«قمارباز» درگیر چه چالش‌هایی بود؟

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع فیلم فرصت کم بود. ما زمان اندکی برای رسیدن به تولید داشتیم، در نتیجه نتوانستیم وقت کافی به مرحله پیش تولید اختصاص دهیم.

این زمان باید صرف چه کاری می‌شد؟

طبیعتاً یکی از عناصر ویژه، مهم و اصلی مرحله پیش تولید، فیلمنامه است اما زمان کافی برای ما وجود نداشت که آن را صرف فیلمنامه کنیم.

دلیل نبود فرصت و زمان کافی برای مکت کردن روی فیلمنامه و ماندن در مرحله پیش تولید چه بود؟

امسال فارابی برای موضوع جنگ ۱۲ روزه یک پیچینگ برگزار کرد که از طریق آن پیچینگ فیلم «قمارباز» به تصویب رسید. البته باید بگویم کار توسط کارگردان به تصویب رسید. آقای بهاری هم برای تهیه با من تماس گرفت که به خاطر همکاری‌های خوبی که داشتیم، تهیه کارشان را برعهده گرفتیم. البته در کارهای مختلفی که داشته‌ام از محسن بهاری به عنوان مشاور کمک گرفته بودم. به همین دلیل اعتماد از قبل میان ما شکل گرفته بود؛ اعتمادی که منجر به ساخت فیلم «قمارباز» شد



گفت‌وگو با پیدرام کریمی، فیلمنامه‌نویس «خیابان جمهوری»

یک فیلم زنانه

مهسا بهادری

پیدرام کریمی و منوچهر هادی بیش از ۲۷ سال است با هم رفاقت دارند. علاقه‌مندی آنها به سینمای درام اجتماعی از همان ابتدا مشترک بوده و حاصل این علاقه، ساخت چند فیلم اجتماعی مانند «زندگی جای دیگری است» و «کارگر ساده نیازمندیم» است. با این فیلمنامه‌نویس که به عنوان بازیگر و مجری هم شناخته شده و پرکار است، به مناسبت اولین اکران فیلم «خیابان جمهوری» در خانه جشنواره گفت‌وگو کرده‌ایم.

یک همکاری دیگر با منوچهر هادی... آیا همچنان دغدغه‌های مشترک بین شما و این کارگردان وجود دارد؟

در واقع دغدغه‌ها و نگاه ما به مسائل اجتماعی خیلی به هم نزدیک است. مسیر کاری منوچهر پس از کارهای اولیه‌ای که با هم داشتیم، به سمت فیلم‌های کم‌دی رفت، ولی علاقه اصلی او سینمای اجتماعی است. همین موضوع باعث شد در این زمینه با هم تجربه‌های خوبی داشته باشیم. فکر می‌کنم کارنامه کاری من و منوچهر هادی برای کسانی که آثار اجتماعی را دنبال می‌کنند، رضایت‌بخش باشد چون مخاطب هم می‌تواند بازی جذاب و کارگردانی قابل توجهی ببیند و هم در نهایت فیلمی جذاب و دیدنی را تجربه کند.

این فیلم چه چیزی برای مخاطب جست‌وجوگر امروز دارد؟

هر فیلمنامه‌نویس و کارگردان، پیش از هر چیز این سؤال را از خودش می‌پرسد؛ قصه‌ای که می‌خواهیم روایت کنیم چه کاربردی برای مخاطب امروز دارد؟ حتی وقتی سراغ سوژه‌های تاریخی می‌رویم یا پرتره‌های دفاع مقدس را می‌سازیم هم دنبال پاسخ این سؤال هستیم. به همین دلیل در «خیابان جمهوری» تلاش کردیم موضوعی را انتخاب کنیم که با دغدغه‌ها و زندگی امروز مردم مرتبط باشد و موقعیت‌های ملموس را به تصویر بکشد. تلاش کردیم فیلم ۱۰ سال بعد هم قابل درک باشد.

به نظر شما جامعه امروز چقدر نیازمند فیلم‌های اجتماعی است و جای تنوع ژانر در سینمای ایران چقدر خالی است؟

تنوع ژانر در سینمای ایران کم است، مثلاً فیلم‌هایی در ژانر وحشت یا کودک و نوجوان خیلی محدود هستند که البته دلایلش پیچیده است، ولی نکته اصلی این است که استقبال مخاطب در بسیاری از مواقع باعث می‌شود بیشتر فیلم‌های کم‌دی ساخته شوند. فیلم‌های اجتماعی در دوره‌های مختلف با فراز و نشیب همراه بودند ولی همیشه اقبال مردم را داشته‌اند و به همین دلیل هم ادامه پیدا می‌کنند.

از نگاه شما، کارکرد اصلی فیلمی که با مضمون اجتماعی ساخته می‌شود، چیست؟ طرح مساله، سرگرم‌سازی یا موارد دیگر؟

سینمای اجتماعی در درجه اول آسیب‌شناسی می‌کند. وظیفه اصلی آن نشان دادن مشکلات و دغدغه‌های جامعه است؛ اما در کنار آن باید سرگرم‌کننده هم باشد؛ داستانی که بتواند مخاطب را جذب کند. ترکیب این دو یعنی آسیب‌شناسی و روایت جذاب، کارکرد اصلی سینمای اجتماعی است و هدف ما در «خیابان جمهوری» هم همین بوده است. بعضی وقت‌ها در سینمای اجتماعی زبان کارها خیلی تند می‌شود و گاهی به سیاه‌نمایی می‌رسد. اما همین آسیب‌شناسی و هشدار دادن، کارکرد و وظیفه سینمای اجتماعی است. این بخش از سینما باید وجود داشته باشد و مخاطب را با مسائل واقعی روبه‌رو کند.

آیده و طرح اولیه فیلمنامه چه بود؟

دغدغه‌های مطرح شده در این فیلم از گذشته با من بوده‌اند. از «زندگی جای دیگری است» شروع شد، بعد «کارگر ساده...». حالا هم «خیابان جمهوری»، همیشه تم ثابتی دارم که به قشر کارگر و مسائل کودکان برمی‌گردد. حتی در «اتاقک گلی» و فیلم «پل» هم همین دغدغه‌ها دیده می‌شوند. در داستان‌هایی که می‌نویسم معمولاً سراغ همین موضوعات می‌روم، زندگی کارگران، مسائل اجتماعی و شرایط روزمره مردم.

و شاخصه اصلی «خیابان جمهوری» از نگاه شما؟

ویژگی اصلی آن تمرکز روی زنان است. شخصیت اصلی زن است، در واقع فیلم درباره مسائل، مصائب و مشکلات زنان ساخته شده است. در سینمای ایران به زنان کمتر پرداخته شده و بسیاری از مشکلاتشان دیده نشده، به همین دلیل پرداختن به موضوع زنان در این برهه ضروری، جذاب و دیدنی است. فیلم یک اثر کاملاً زنانه است، برخلاف «کارگر ساده» که بیشتر سراغ قصه مردان کارگر رفته بود. طرح‌ها و ایده‌ها معمولاً از قبل آماده هستند. حتی طرح فیلم بعدی دوسال پیش نوشته شده بود، اما همیشه آن‌ها را با مسائل و شرایط روز تطبیق می‌دهم تا برای مخاطب امروز قابل فهم و جذاب باشد.

هر فیلمنامه‌نویس و کارگردان پیش از هر چیز این سؤال را از خودش می‌پرسد قصه‌ای که می‌خواهیم روایت کنیم چه کاربردی برای مخاطب امروز دارد؟ حتی وقتی سراغ سوژه‌های تاریخی می‌رویم یا پرتره‌های دفاع مقدس را می‌سازیم هم دنبال پاسخ این سؤال هستیم. به همین دلیل در «خیابان جمهوری» تلاش کردیم موضوعی را انتخاب کنیم که با دغدغه‌ها و زندگی امروز مردم مرتبط باشد و موقعیت‌های ملموس را به تصویر بکشد. تلاش کردیم فیلم ۱۰ سال بعد هم قابل درک باشد



تأثیر متقابل کارگردانان و جشنواره در ادوار فجر

سیمرغ در حرکت

جشنواره فیلم فجر، از نخستین سال‌های برگزاری همچون آزمایشگاه و ویتترین داخلی عمل کرده و کیفیت و قابلیت بین‌المللی فیلم‌ها را می‌سنجد و آن‌ها را برجسته می‌کند. این موفقیت‌ها، در کنار یکدیگر، تصویر چندوجهی و غنی از سینمای ایران را در چشم جهانیان ترسیم کرده‌اند. جشنواره فیلم فجر به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران پس از انقلاب، نقشی جدی و کتمان‌نشدنی در شناسایی و پرورش نسل جدیدی از کارگردانان داشته است. در میان برندگان سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، نام‌هایی دیده می‌شود که مسیر حرفه‌ای خود را پس از انقلاب و اغلب با تکیه بر این جشنواره آغاز کردند. آنچه در ادامه آمده، مروری است بر مسیر برخی از این سینماگران.

کارگردانان برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی

مجید مجیدی با دریافت چهار سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، رکورددار دریافت این جایزه در تاریخ جشنواره فیلم فجر است. نخستین سیمرغ او برای فیلم «پدر» در هفتمین دوره این جشنواره به دست آمد. فجر برای مجیدی مهم‌ترین ویتترین بود که فیلم‌های انسان‌محور او مانند «بچه‌های آسمان» و «زنگ خدا» را نخست در ایران معرفی کرد و راه را برای حضور بین‌المللی و کسب نامزدی اسکار هموار ساخت. اصغر فرهادی با سه سیمرغ بهترین کارگردانی، از دیگر چهره‌های شاخصی است که

مسیر جهانی خود را از فجر آغاز کرد. نخستین سیمرغ او برای فیلم «چهارشنبه‌سوری» در بیست و دومین دوره فجر به دست آمد. فجر به عنوان یک آزمایشگاه واقعی فضایی برای آزمودن ایده‌های پیچیده اجتماعی فرهادی فراهم کرد. پذیرش آثار او در فجر، پلی شد تا فیلم‌هایی مانند «جدایی نادر از سیمین» ابتدا در ایران دیده شوند و سپس راهی جشنواره‌هایی مانند برلین شده و برنده اسکار گردند.

ابراهیم حاتمی‌کیا هم سه سیمرغ بهترین کارگردانی را در کارنامه دارد. او جشنواره فجر را در بزنگاه‌های مختلف حیات سینمایی‌اش تجربه کرده است. از فیلم «آژانس شیشه‌ای» که در شانزدهمین دوره هم سیمرغ بهترین فیلم و هم بهترین کارگردانی را گرفت، تا آثار متأخرش. فجر برای سینمای حاتمی‌کیا که در مرز ژانر و معنویت حرکت می‌کند، همواره گامی مهم بوده و به پیچیده‌تر و هنری‌تر شدن تعریف سینمای دفاع مقدس کمک کرده است. رضا میرکریمی هم دو سیمرغ بهترین کارگردانی را در کارنامه دارد. سیمرغ اول او برای فیلم «اینجا چراغی روشن است» در بیست و یکمین دوره فجر به دست آمد. فجر برای میرکریمی و نسل او بیش از یک جشنواره، یک مدرسه بود. این شناسایی اولیه مسیر روایت آدم‌های معمولی را برای او تثبیت کرد و سال‌ها بعد، دریافت سیمرغ دوم برای «نگهبان شب» در چهلمین دوره، نشان‌دهنده تداوم این رابطه بود.

احمد رضا درویش دو سیمرغ بهترین کارگردانی را برای فیلم‌های «دوئل» و «راستخیز» کسب کرده است. فجر با تقدیر از جسارت بصری و ساختار محکم این آثار، به ویژه در ژانر تاریخی-مذهبی، نقش یک حامی نهادینه را برای این ژانر سینمایی ایفا کرده و امکان تولید پروژه‌های عظیم را فراهم آورده است.

کیانوش عیاری هم دو سیمرغ بهترین کارگردانی دارد که نخستین سیمرغ برای فیلم «آن سوی آتش» در ششمین دوره فجر به دست آمد. این اتفاق در روزهای جوانی جشنواره، به یک فیلمبردار این فرصت را داد تا به عنوان یک کارگردان تمام‌عیار شناخته شود و مسیر حرفه‌ای‌اش شتاب گیرد.



صفحه ۱۰

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

کارگردانان برنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر

مجید مجیدی: ۴ سیمرغ (رکورددار)
اصغر فرهادی: ۳ سیمرغ
ابراهیم حاتمی‌کیا: ۳ سیمرغ
داریوش مهرجویی: ۲ سیمرغ
رضا میرکریمی: ۲ سیمرغ
احمد رضا درویش: ۲ سیمرغ
کیانوش عیاری: ۲ سیمرغ
بهرام توکلی: ۱ سیمرغ
محسن مخملباف: ۱ سیمرغ
محمد حسین مهدویان: ۱ سیمرغ
محمد بزرگ‌نیا: ۱ سیمرغ
یدالله صمدی: ۱ سیمرغ
پرویز شهبازی: ۱ سیمرغ
بهرز افخمی: ۱ سیمرغ
عباس کیارستمی: ۱ سیمرغ
سیروس الوند: ۱ سیمرغ
واروژ کریم‌مسیحی: ۱ سیمرغ
کیومرث پوراحمد: ۱ سیمرغ
رسول ملاقلی‌پور: ۱ سیمرغ
ابوالحسن داوودی: ۱ سیمرغ
پرویز شیخ‌طادی: ۱ سیمرغ
سعید روستایی: ۱ سیمرغ
محمدعلی‌باشه‌آهنگر: ۱ سیمرغ
خسرو سینایی: ۱ سیمرغ
(نخستین برنده در دوره دوم)
وحید جلیلوند: ۱ سیمرغ
مهدی جعفری: ۱ سیمرغ
حمید زرگرزاد: ۱ سیمرغ





یک خودکشی که هرگز اتفاق نمی افتد

گفت و گو با حسین ذوالفقاری
کارگردان فیلم کوتاه «اسپایدرمرد»

فیلم کوتاه «اسپایدرمرد» به کارگردانی حسین ذوالفقاری نخستین تجربه داستانی این فیلمساز جوان است که به تهیه کنندگی محمد طاهای ناطقی پس از حضور در جشنواره فیلم کوتاه تهران، در چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور پیدا کرده است. فیلم روایت شاهین، جوانی است که تصمیم به خودکشی گرفته، اما حضور غیرمنتظره یک عنکبوت مسیر داستان را به کلی تغییر می دهد.

❖ ایده «اسپایدرمرد» از کجایم آید؟

فیلم با نگاهی فانتزی و طنزآمیز، از نقطه ای تاریک آغاز می شود اما با یک اتفاق ساده و در عین حال غیرمنتظره، به مسیری متفاوت می رسد.

❖ فیلم شما چه ارتباطی با «اسپایدرمن» معروف دارد؟

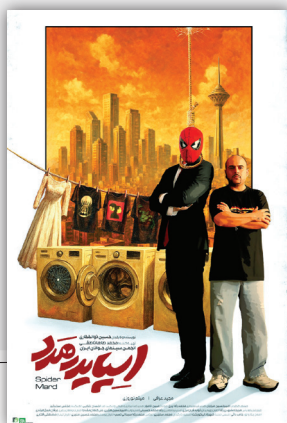
«اسپایدرمرد» در واقع یک پارودی از فیلم «Spider-Man» محصول ۲۰۰۲ است؛ اثری که با حفظ لحن فانتزی و کمدی، داستان دو جوان هم خانه را روایت می کند که یکی از آن ها به دلیل اتفاقاتی که برایش رخ داده، در آستانه اتخاذ تصمیمی جدی قرار دارد، اما یک رخداد ساده همه چیز را تغییر می دهد.

❖ بازخورد مخاطبان و توجه داوران جشنواره فیلم فجر که امسال به طور یکپارچه آثار بلند و کوتاه و مستند را داوری می کنند، چقدر برای شما اهمیت دارد؟

چه در جشنواره های تخصصی فیلم کوتاه و چه در فجر، داوران معمولاً افراد باتجربه و حرفه ای هستند و نظرشان بسیار مهم است. برای من که این فیلم اولین تجربه داستانی ام است، کامنت ها و نقدهایی که از جشنواره فیلم کوتاه تهران گرفتم بسیار آموزنده بود پس قطعاً در آینده کاری ام تأثیر خواهد داشت. در جشنواره فیلم فجر هم این بازخوردها برای من و همکارانم مهم است.

❖ سخنی که دوست دارید در آستانه نمایش فیلمتان در خانه جشنواره بگویید...

در سینمای کوتاه، بیش از هر چیز به یک زبان مشترک جهانی نیاز داریم. موضوعاتی مثل کودک، خانواده، مسائل زنان و روابط انسانی، جذابیت بیشتری برای ارتباط با مخاطب دارند. آثار کاملاً بومی و اقلیمی می توانند ارزشمند باشند اما اغلب محدود می شوند. به نظر من، فیلم کوتاه زمانی موفق تر است که بتواند با موضوعات جهان شمول ارتباط گسترده تری برقرار کند.



گفت و گو با مهدی عوض زاده درباره مستند «برای دخترم»

روایت یک رؤیا

پگاه زارعی
خبرنگار

❖ یعنی یک پروسه طولانی را پشت سر گذاشتید؟

فیلمبرداری این مستند نزدیک به هشت سال طول کشید. درواقع سوژه فیلم را از ۱۱ یا ۱۲ سالگی تا حدود ۲۰ سالگی دنبال کردیم. در فیلم، بزرگ شدن او، ازدواج و مسیر زندگی اش را طی این سال ها ثبت کردیم.

❖ حضور در جشنواره فیلم فجر برای شما چقدر اهمیت دارد؟

برای مستندسازان، جشنواره های تخصصی اهمیت بیشتری دارند و مهم ترین آن ها جشنواره سینماحقیقت است، اما جشنواره فیلم فجر یک ویتترین عمومی است که تولیدات سینمای ایران را در معرض دید مخاطبان گسترده تری قرار می دهد. اگرچه تمرکز اصلی جشنواره فجر بر فیلم های داستانی است، اما وجود بخش مستند و فیلم کوتاه اتفاق خوبی است. البته ای کاش این دو بخش به شکل جدی تر و تخصصی تر دیده شوند، چون با در برخی سال ها حذف شده اند یا در برخی مواقع هم چندان مورد توجه قرار نمی گیرند. بنابراین اگر قرار است جشنواره فجر ویتترین کل سینمای ایران باشد، پس باید مستند و فیلم کوتاه هم جایگاه جدی تری داشته باشند وگرنه حذف کامل آن ها هم می تواند تصمیمی منطقی باشد، چون هر دو حوزه جشنواره تخصصی خود را دارند. با این حال، جشنواره فجر فرصتی برای دیده شدن فیلم توسط مخاطبان بیشتر است و من خوشحالم که این مستند می تواند در معرض دید طیف گسترده تری از تماشاگران قرار بگیرد.

❖ آیا صحتی مانده است که دوست داشته باشید در روزنامه جشنواره مطرح کنید؟

لوکیشن فیلم حدود ۹۰۰ کیلومتر از تهران فاصله داشت در منطقه ای مرزی، دورافتاده و با دسترسی سخت؛ از زمستان های سنگین تا تابستان های سخت! اما همه عوامل، از فیلمبردار و صدابردار تا تهیه کنندگان، نزدیک به هشت سال با صبوری کنار من بودند و بدون آن ها این فیلم هرگز ساخته نمی شد.

فیلم مستند «برای دخترم» به کارگردانی و تهیه کنندگی مهدی عوض زاده درباره دختری به نام شکریه و تلاش او برای ادامه تحصیل و جلب رضایت پدر برای حضور در مدرسه است. این کارگردان که اثرش به چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر راه یافته، از شکل گیری ایده فیلم، روند طولانی هشت ساله تولید، دغدغه های آموزشی، تجربه حضور در جشنواره فیلم فجر و دشواری های ساخت این مستند سخن گفت.

❖ «برای دخترم» از چه می گوید؟

فیلم درباره مساله ترک تحصیل و دانش آموزان بازمانده از تحصیل است. سوژه ما یک دختر دبستانی است که در یکی از روستاهای مرزی و کردنشین در استان آذربایجان غربی زندگی می کند. در این منطقه، ترک تحصیل یکی از چالش های جدی نظام آموزشی است و متأسفانه زیاد هم اتفاق می افتد. این دختر در آستانه ترک تحصیل قرار دارد زیرا پدر تصمیم گرفته است اجازه ندهد که دخترش سال بعد به مدرسه برود. ما این سوژه را دنبال کردیم تا ببینیم در نهایت چه اتفاقی می افتد؛ اینکه آیا می تواند به مدرسه برود یا خیر. در این مسیر، تلاش دختر، معلمش و مدیر مدرسه برای ادامه تحصیل و همچنین فراز و نشیب های زندگی خانوادگی او را می بینیم.

❖ برای تبدیل این سوژه به فیلم مستند چقدر مطالعه و پژوهش داشتید؟

از سال ها قبل دغدغه پرداختن به آموزش و نظام آموزشی کشور را داشتم و در همین راستا نیز حدود هفت یا هشت سال پیش یک مجموعه مستند درباره آسیب شناسی نظام آموزشی برای تلویزیون ساخته بودم. همین تجربه باعث شد تصمیم بگیرم یک فیلم مستقل درباره ترک تحصیل بسازم.



روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر
شماره ۲ - یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴
مدیر مسئول: منوچهر شاهسوار



تصویر امروز



در دید و بازدیدهای جشنواره‌ای، «سینما» حرف مشترک فعالان رسانه است. آنها در روزهایی که شرایط دشواری را از ابعاد مختلف تجربه می‌کنند، آمده‌اند تا هم به کار حرفه‌ای خود بپردازند و هم سینما مرهمی بر روح و دل‌شان باشد. فیلم‌دیدن هنوز هم می‌تواند حال سینمادوستان را دیگرگون کند که این هم از جذابیت‌های جشنواره است.



نوشدن در همه ابعاد

امسال علاوه بر این که بسیاری از فیلمسازان حاضر در جشنواره، چهره‌های جدیدی هستند، عوامل سازنده بسیاری از آثار سینمایی هم جوان‌اند و سرشناس نیستند. این نکته را با مروری بر تیتراژ فیلم‌های می‌شود فهمید. «منوچهر شاهسوار» دبیر جشنواره چهل و چهارم هم در نشست با خبرنگاران به این موضوع اینگونه اشاره کرده بود: «تیتراژ فیلم‌ها را که می‌دیدم به اسم‌هایی در عوامل فنی برمی‌خوردم که من (با وجود سال‌ها سابقه فعالیت در سینما و شناخت عوامل تولید از نزدیک) نام‌شان را تاکنون نشنیده بودم. از احد (صادقی) - مدیر دبیرخانه جشنواره - هم که پرسیدم آنها را نمی‌شناخت.»

طبیعتاً این اتفاق، پیش از آن که با نگاه از پشت عینک منفی‌نگر، نگران‌کننده باشد، خوشحال‌کننده است؛ نسل تازه‌ای از متخصصان فنی و هنری در سینمای ایران در راه‌اند و فجر، مجال معرفی و ارزیابی آنهاست. چه از این بهتر؟



رسانه‌ای‌ها پای کار سیم‌رغ

به جز سال اوج کرونا که برگزاری هر تجمعی را با حضور کم‌رنگ مخاطبان روبه‌رو می‌ساخت و حفظ فاصله اجتماعی و رعایت پروتکل‌ها، باعث شد تا استقبال از «خانه جشنواره» کم‌رنگ‌تر از همیشه باشد، فعالان رسانه همواره و در سالیان سال، با بیشترین انرژی بازتاب‌دهنده جشنواره فیلم فجر بوده‌اند. امسال هم در روز اول پردیس ملت، این حضور سروشکل همیشگی خودش را داشته و گروه‌های مختلف تولید محتوای مکتوب، مجازی و دیداری و شنیداری، پای کار سیم‌رغ و این جشنواره قدیمی بوده‌اند. سینما و جشنواره از این بابت، مدیون همین تلاش‌هاست و این تلاش گسترده، چه تصویری و خبری باشد و چه از جنس نقد و نظر، باید در جای خود مورد توجه قرار گیرد. به ویژه آن که همانطور که در عرصه تولید شاهد جوانگرایی بوده‌ایم، در حوزه نقد و نظر و رسانه هم چهره‌های جوان و نوجو حرف اول را می‌زنند.

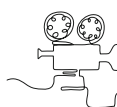
توضیح دبیر درباره انیمیشن‌ها



دبیر جشنواره فجر درباره انیمیشن‌های متقاضی شرکت در فجر ۴۴ گفت: تعداد ثبت‌نام انیمیشن‌های امسال خوب بود ولی برخی آثار این امکان را نداشتند که خروجی نهایی‌شان به جشنواره برسد. از سازندگان «نگهبانان خورشید» عذرخواهی می‌کنم که رقیب ندارند و بار انیمیشن سینمای ایران را به دوش می‌کشند. این فیلم اثر زیبایی است و امیدوارم از آن لذت ببرید. البته از دوستان خوبمان در اختتامیه قدرانی خواهیم کرد.

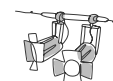


نگاه ایرانی



«عیار ۱۴»: برف آهسته می‌بارد و هر آنچه باید بر زبان آید در سکوتی تعلیق‌وار زیر دانه‌های برف قرار می‌گیرد. چه خواهد شد؟ همه چیز را می‌دانیم؛ اما تا پایانی که عباس کیارستمی کارگردانی کرده صبر کنیم و در ابهام سرد پرویز شهبازی قصه مردی را که از سایه یک انتقام می‌ترسد، دنبال می‌کنیم.

تنوع طلبی در جام جم



امسال تلویزیون به جز «هفت» چند برنامه دیگر را هم برای جشنواره روی آنتن دارد و سید خود را متنوع‌تر از همیشه کرده است این امر برای مخاطبانی که فیلم‌های جشنواره را در سالن‌های مردمی دنبال می‌کنند، می‌تواند جذابیت‌های زیادی به همراه داشته باشد. برای نوجوان‌ها برنامه تلویزیونی «سینما هویت» روی آنتن شبکه امید می‌رود. برای خانم‌ها هم فصل دوم «سینما بانو» در شبکه تهران، با نگاهی زنانه از متن و حواشی جشنواره خواهد گفت. «سینما ملت» هم از شبکه تهران پخش می‌شود.

صفحه آخر
روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر

